



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۲۰ اگست ۲۰۲۲

حمید انوری

"پیش جانانہ من پنیہ و پندانہ یگیست"

"در اصل زبان پارسی / دری یک زبان عقیم است که به درد علم و ساینس نمی خورد و فقط به درد شعر و شاعری از برکت ساده بودن خود میخورد."

تا جائیکه به این کمترین معلوم گشته است، و نیز تا جائیکه زبان شناسان بی غل و غش تعریف نموده اند، "زبان، یا لسان، وسیله افهام و تفهیم است". این افهام و تفهیم در هر سرزمینی به زبان های مروج آن سرزمین ها مرسوم بوده است. محققین زبان، تاریخ زبان و یا افهام و تفهیم بین انسانها را به ۹۰۰۰ سال قبل تخمین نموده اند، اما عربی که در همان زمانه ها، زبان یک تعداد کشور های عربی زبان بود، فقط بین کشور های موصوف رواج داشت و حتی بسیاری از کشور های عربی زبان، لهجه های متفاوت عربی را صحبت میکردند که افهام و تفهیم به یک عربی مشخص، برای شان نامفهوم بوده است و حلال مشکلات زبانی و افهام و تفهیم بین شان نبوده است و هنوز هم چنین است. اما عربی درست بعد از لشکرکشی های عرب های مسلمان شده، به سرزمین های اشغالی شان صادر گردید که از عمر آن بیشتر از ۱۴۰۰ سال نمی گذرد.

حال که چنین است، کشور های فارسی زبان، دری زبان و پارسی گوی و...، قبل بر آن با کدام لسان افهام و تفهیم می کردند؟

اگر کشور های غیر عربی زبان، وجود داشتند، زنده بودند و بر اساس گردش زمان و پیشرفت انسان، در تکامل بودند و تا هم اکنون زنده و پویا هستند، پس زبان عربی چه نقشی در زمینه بازی میکرد.

حال گیریم که زبان زیبای پارسی/دری، بگفته بعضی هموطنان، "عقیم" باشد و باز هم بگفته و نوشته آنان، نتواند "بزاید"، دو سوال مطرح می شود، یکی اینکه از عربی در این ۱۴۰۰ سال چه

فرزندی "زائیده" شده است و چه گلی به سر انسانها زده است، که از پارسی / دری یا هم فارسی، چنین فرزندی زائیده نشده است؟

و دیگر هم اینکه در زبان عربی کدام حلال زاده ای، زاده شده است که اصطلاحات مروجۀ تخنیکی، فزیک، کیمیاوی و ساینسی و...، از انگلیسی، لاتین و...، به عربی تبدیل کرده است و در جهان مروج است که ما بی خبران هنوز از آنها اطلاع نداریم و در جهان هم مروج گشته است.

درست بعد از زوال خلافت عثمانی، یعنی بعد از شکست مهاجمین عربی و ترکی، زبان عربی هم رو به زوال رفت و دگر سر بلند نکرد، اما هرگز گفته نمی توانیم که لسان عربی، یک زبان "عقیم" است. در حقیقت اطلاق چنین سخن سخیف فقط از یک تعداد ایرانی های عرب دشمن ساخته است و دو سه دنباله رو غیر ایرانی که از خیر سر انترنت گردی، دانسته و نادانسته به زبانهای مادری و وطنی خود سخت توهین روا میدارند.

چرا و به چه دلیل استواری ادعا میکنیم که: "...، در اصل زبان پارسی / دری یک زبان عقیم است که به درد علم و ساینس نمی خورد و فقط به درد شعر و شاعری از برکت ساده بودن خود میخورد." آیا "ساده بودن"، بهتر از مغلق بودن نیست؟

چرا همیشه در تلاش می شویم نداشته ها را بر داشته های خود ترجیح دهیم؟ زبان عربی هم مانند هر زبان دیگر نقاط مثبت و منفی خود را دارد، دری هم، پارسی هم و فارسی هم و پشتو هم و نیز چنین است انگلیسی و فرانسوی و روسی و چینی و هندی و آلمانی و... زمانی که ما از خود اختراعات و اکتشافات نداشته باشیم، مجبور و مکلف هستیم که اصطلاحات تخنیکی جهان شمول را برای ساده سازی، به کار گیریم. اصطلاحات تخنیکی مروجۀ جهانی اگر به عربی هم ترجمه شده باشد، عام فهم برای خود عرب ها هم نخواهد بود و در حد "یارانه" و "چهره نما" و...، باقی مانده و ره به جایی نمی برد.

از جانب دیگر زبان عربی کدام فرزندان دوگانگی و شش گانگی زایده است که ما مردم پس مانده ایم. در حقیقت هیچ کس اجازه و صلاحیت و درایت آنرا ندارد که یک زبان را "عقیم" بشمارد، حتی اگر خدای ناخواسته "استاد زبان" هم باشد. و اگر چنین ادعا هم میکند، مجبور و مکلف است تا منابع و موأخذ متعدد ارائه کرده و نظر به دلائل مکفی و قناعت بخش و مثال های بی شمار، سخنان خود را به کرسی نشانده و در مورد کتابها بنویسد و آن کتابها از منابع مختلف ادبی مورد قبول و تائید قرار گیرد و...

نظر به معلومات ارائه شده در ویکی پدیا(نمی دانم کا عربها این نام را چگونه به عربی ترجمه خواهند کرد)، حدود ۷۱۰۰ زبان مختلف در دنیا وجود دارد که انسانها با آن زبانها مکالمه میکنند، چرا فقط دری ما یا فارسی ایران یا همانا پارسی، "عقیم" است و بس و خلاص؟ از نگاه این هیچ مدان، زبان یا زبانهاییکه بگفته هموطنان ما "عقیم" یا نازا بوده اند، دیربست که مرده و به تاریخ پیوسته اند که زبانهای فارسی/ پارسی یا دری جزء آنها به حساب نمی روند، چون هنوز زنده اند و نفس میکشند و حلال مشکلات عده بیشماری انسانها اند. همین هموطنان ما که چنان ادعا های واهی را مطرح میکنند و هرازگاهی هم به آنها دامن میزنند، آیا قادر هستند باری یک مطلب و مقاله و مضمون به زبان عربی بنویسند؟ و اگر هم گیریم که چنان باشد، آیا قادر هستند عربی را از اصطلاحات وام گرفته از زبانهای خارجی، پاک و صاف و خالص ساخته و بعد یک صفحه بنویسند که برای تمام عربی زبانها قابل فهم باشد؟ این کمترین سال گذشته در این مورد مطالبی نوشتم که هنوز هم در سایت "استقلال – خپلواکی" تحت عنوان "ما زقرآن مغز را برداشتیم"، فکر کنم در سه قسمت موجود است و علاقمندان آنها را از نظر گذشتانده خواهند بود، اما قرار معلوم و نظر به گفته مشهور وطنی ما "پیش جانانه من پنبه و پندانه یکیست". چرا صاف و ساده و آسان از سایت های ایرانی شنگ دار کاپی نکنیم، که کاریست کم خور و بالا نشین و مسؤلیت آنها به دوش نویسنده ایرانی آن است و از ما فقط کاپی کردن و سرش کردن است و بالا نشستن.

جهت سهولت برای علاقمندان زبان، لینک های نوشته های یاد شده را اینجا میگذارم:

["ما زقرآن مغز را برداشتیم"- قسمت سوم](#)

["ما زقرآن مغز را برداشتیم"- قسمت دوم](#)

["ما زقرآن مغز را برداشتیم"](#)

یار زنده و صحبت باقی...